

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

شیخ جموش  
۲۶ جون ۲۰۱۹

## به اذان ملای غریب کسی نماز نمی خواند!!!

رژیم های گذشته اگر چه چندان چیزی هم نبودند مردم تا اندازه ای از آنها اطاعت می کردند؛ یعنی اگر فرمان به فایده مردم می بود صد در صد اطاعت می شد در غیر آن کمتر. برای این که عرض این فقیر را قبول کنید چند مثال مشت نمونه خروار می زنیم:

در رژیم های شاهی نام های بسیار جای ها را تغییر دادند که اکثراً این نامهای متغیر را مردم پسندیدند، چون به فایده مردم بود به طور مثال: نام تاریخی " شاه فلان" را به "پشتون زرغون" تبدیل کردند. هر کسی که این کار را کرده مستحق تقدیر است، دولت با درایت آنوقت این نام مکروه را به اسم زیبای "پشتون زرغون" یعنی " پشتون طلائی" تغییر داده است. نام طلا را من هم اگر بشنوم قبول خواهم نمود. (ولسوالی پشتون زرغون در قسمت شرق هرات قرار دارد و یکی از پرنفوس ترین ساحات هرات است و دارای ۱۱۱ قریه می باشد. نام کهن این منطقه با مربوطات آن " شاه فلان" بود و در سال ۱۳۲۰ خورشیدی به "پشتون زرغون" تبدیل گردید.)

اگر "قره تپیه" را به "تورغندی" تبدیل نمودند یا "سبزوار" را به "شیندند" کدام مشکل به وجود نیاورد که نام های موجود تقریباً معادل پشتوی اسامی ذکر شده می باشند. "سبزوار" را نمی شد "شنوار" ساخت، چون یک شنوار در شرق وطن موجود است، پس آن را به شیندند یعنی "دند سبز" تغییر دادند. سبز وار چندان جائی نبود، در آنجا مردمانی زندگی می کردند که به قول حضرت جامی از پشم نمد می ساختند:

**"نمد سبزوار از پشم است زیر ابروی مردمان چشم است"**

**"آنکه در جوی می رود آب است آنکه در چشم می رود خواب است"**

اینها را هم مردم قبول کردند.

در سال ۱۳۰۴ خورشیدی اعلیحضرت امان الله خان - آنتشاه رعیب پرور- نام واحد پولی کشور را از روپیه به "افغانی" تبدیل نمود مردم کمتر شنید و تا هنوز هم مردم افغانستان به واحد پولی خود "روپیه" می گویند، چون روپیه به معنای "نقره" است، طبعاً طلا و نقره هر کدام مزه خود را دارد. استاد بزرگ موسیقی ما استاد قاسم افغان هم در یک خواندن خود به روپیه و مزه آن اشاره کرده است: " روپی کلداره مزه داره/ زر زری چیه ناره."

نام "دارالامان" یا قصر امان الله خان را رژیم های بعدی نتوانستند تغییر دهند، اگر "دارالفنون" مانندند یا هر چیزی دیگری مردم قبول نکردند و تا هنوز هم همان قصر که سوراخپایش از بغداد معلوم است، به همان اسم اولی یاد می شود و حتا آن منطقه را مردم دارالامان گویند. حبیب الله کلکانی هشیار ترین امیر بود، زمانی به وی پیشنهاد کردند که:

"نام قصر دارالامان را " دارالحیب " بگذارند"، گفت : "نخیر این قصر را امان الله آباد کرده نه من، وقتی که منم چنین چیزی ساختم، نام آن را "دارالحیب" خواهم گذاشت- خوب خواب دیده بود!!!

خلقی ها هم برای این که ازین کاروان عقب نمانده باشند، نام چند جای را تغییر دادند. شهر تاریخی جلال آباد را که جلالالدین اکبر مغول چهار صد سال پیش آباد نموده بود، مفت و رایگان به ترون صاحب بخشیدند و شهر دیگری را به "نواب شار" تبدیل کردند. بعد از انقراض دولت انقلابی شان نام های جدید فوراً و اتوماتیک به نامهای قدیم تغییر نمودند بدون این که آب از آب تکان بخورد، اصلاً گوئی نه چرگی بود و نه پرگی.

تنظیم های دولت مجاهدین نیز دست به اینگونه ابتکارات زدند و یک تنظیم جهادی که از رنگ سرخ نفرت داشت عقده دل خود را بالای ولسوالی سرخ غوربند کشید و آنجا را به نام "سبز" یعنی رنگ بیرق عربستان رنگین ساخت به نظر حقیر چون مردم آن سامان سرخگونه اند اگر آن را سرخ و سبز می خواندند بهتر بود.

تنظیم دیگر جهادی که در زمین سایه و در آسمان ستاره نداشت نام "زردیو" را به "شهداء" تبدیل کرد. زردیو در شمال شرق ولسوالی بهارک بدخشان موقعیت دارد. در قدیم به خدا "دیو" می گفتند ولی با آمدن زردشت دیوان از اریکه قدرت افکنده شدند و به همکاران اهریمن تبدیل گردیدند. نام این خطه در شهنامه نیز ذکر است. اما این نام جدید(شهداء) قابل مکث است. ما در کابل دو منطقه داریم یکی به نام شهدای صالحین که مردم به زیارت این مکان می روند و دعا می کنند، جای دیگری را " تپه شهدا" گویند که آنجا نیز برای زیارت روند و دعا کنند. بالای مردم زنده نام شهید گذاشتن چه فلسفه دارد؟! اگر "هردم شهیدان" می شد باز هم یک راهی برای قبولی داشت، چون آن مردم بیچاره باوصف این که صنعتکاران خوبی هستند از آب، برق و امنیت و آرامش محروم اند گاهی در محاصره طالبان اند و گاهی دیگران. مردم این نام را قبول نکرده اند و هنوز هم به آنجا "زردیو" گویند، چون زردیو در سیلاب اول "زر" دارد و سیلاب دوم "دیو" که فعلاً به درد ما نمی خورد.

از طالبان کرام انتظار می رفت تا لا اقل در کابل نامهای "ریشخور" ، "نقاش" و "چندر بانی" را تغییر دهند یا حد اقل "کوتل یک لنگه" را دو لنگه بسازند که به درد شان بخورد، اما این بدعت را نکردند. بایست به اوشان گفت: "مرحبا!"

حال رژیم دموکراتیک دوم بالای چهاریکار نقشه دارد که آن را تبدیل نماید.

رژیم های عزیز! از من به شما نصیحت متوجه باشید که همسایه های ما شتر را با بارش می زنند و خم به ابرو نمی آرند. همانطوری که نام مملکت ما را زدند، نکند که خدای نخواستہ چهاریکار بیچاره هم به سرنوشت زابل و تالقان و سبزواری و بهزاد و دیگران گرفتار شود و چُپ و خُپ آنها را به آنطرف مرز انتقال دهند. ما گفتیم، دلتان که قبول دارید یا نه!!! از ما غریبان گفتن و از شما کم شنیدن. (شیخ چموش)